

# چالش‌های حرفه حسابرسی در ایران

مهدی غلام زاده  
کارشناس ارشد حسابداری



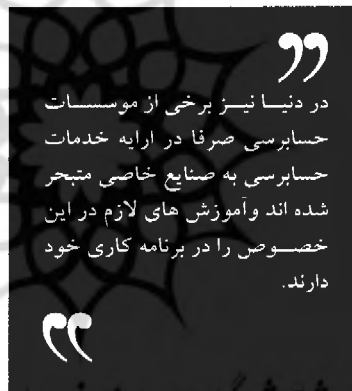
از عمر حرفه حسابرسی در ایران نیم قرن می‌گذرد اما در این دوره حرفه فراز و نشیب‌های زیادی بر خود دیده است. زمانی توسط انقلابیون (که برخی از اعضای حرفه نیز شامل آن‌ها می‌شوند) منحل شده و زمانی دست نوازش بر سر و گردن حسابرسان کشیده شده و دوباره آن‌ها را فراخوانی کردند. با این حال حرفه توسط برخی پیش‌کسوتان حفظ شده و به حیات خود ادامه داده است و در حال حاضر پس از چند سال از تشکیل جامعه ۱۵۰۰ نفر عضو دارد. در بند الف این مقاله به طور اجمالی نظری داریم بر چالش‌های حرفه حسابرسی که از درون حرفه و مسایل آن ناشی می‌شود. هر چند که برخی از دسته بندی‌های ما می‌تواند چالش‌های محیط بیرونی نیز تلقی شود اما مطالعه کامل بند الف با بند ب شاید کمی نگرشهای شکل گرفته در نگاه اول را تعدیل کند. علی‌ایحال به این نکته نیز اذعان داریم که این سیاه مشقی بیش نیست که صرفاً در جهت مکتوب کردن اذهان تهیه و تنظیم شده است.

الف) چالش‌های درونی:

۱- چالش مقررات و قوانین در اجرا:

یکی از چالش‌های اساسی حسابرسان در حسابرسی صورت‌های مالی مجموعه مورد رسیدگی قوانین و مقررات حاکم بر عملیات مالی صاحب‌کار است، به گونه‌ای که از انطباق رویه‌ها و مقررات به کار گرفته شده با آنچه که در صورت‌های مالی ارایه شده است اطمینان حاصل شود. وجود قوانین و مقررات و بخشنامه‌های مختلف در طول دوره‌های زمانی بلند مدت (شامل قوانین مالیاتی و برنامه‌های توسعه و...) و کوتاه مدت (شامل بودجه‌های سالانه و بخشنامه‌ها و مصوبه‌ها...) موجب پیچیدگی رسیدگی

به صورت‌های مالی صاحب‌کاران را موجب می‌شود. به هر حال حسابرسان هم توانایی‌هایی خارج از محدودیت‌های انسانی خود، نمی‌توانند داشته باشند و لذا خواستن این که آن‌ها به کلیه قوانین اشراف داشته باشند خواسته‌ای غیر معقول است. لذا همواره این ریسک وجود دارد که حسابرسان به نادرست قوانین را تفسیر کنند و یا تاثیر آن را در گزارش خود نسنجیده و نادیده گرفته باشند. برخی ممکن است این را به عنوان مشکل بیرونی حسابرسی قلمداد کنند اما از این منظر که در زمان اجرا نیروها یا کاملاً به قوانین اشراف ندارند و یا این که آموزش‌های کافی در این خصوص ندیده‌اند



در دنیا نیز برخی از موسسات حسابرسی صرفاً در ارایه خدمات حسابرسی به صنایع خاصی متبحر شده‌اند و آموزش‌های لازم در این خصوص را در برنامه کاری خود دارند.

اجرا و نتیجه‌گیری کار را برای حسابرسان مشکل می‌کند.

۲- چالش نیروی انسانی و سیستم مدیریت منابع انسانی:

یکی از مشکلات حرفه، بحث دست‌مزدهای پایین نیروهای کار در موسسات حسابرسی است به گونه‌ای که بیش‌تر نیروی این حرفه پس از چند سال کسب تجربه احساس می‌کنند که تلاش و کوشش آن‌ها به تناسب از لحاظ مالی جبران نمی‌شود و لذا از حرفه به سمت مشاغل حسابداری و مدیریت مالی نقل مکان کاری می‌کنند. به گونه‌ای که

اختلاف حقوقی بعد و قبل از ترک موسسه به صد درصد و یا بیش‌تر نیز می‌رسد بدین ترتیب اکثریت افراد شاغل در این حرفه در پنج سال اول کاری خود، که بیش‌ترین بار کاری موسسات حسابرسی و آموزش به نسل‌های بعدی را به دوش می‌کشند، از حرفه خارج می‌شوند و با بررسی حرفه می‌توان دید که در طول یک دوره بلند مدت، حرفه تقریباً با نسبت ثابتی از افراد حرفه به بقاء خود ادامه می‌دهد. لذا نسبت افراد در هرم مدیریت یک موسسه حرفه‌ای به طور تقریبی و تحقیق ثابت بوده و شریک جدید مگر با رضایت خانواده متوفی و به جهت انطباق با اساسنامه جامعه پذیرفته و وارد ترکیب مدیریتی شرکت شود. با این توصیف موسسات استراتژی مشخصی در خصوص رشد و توسعه بنگاه خود توسط نیروی انسانی مشغول به کار موجود خود نداشته و اگر خواسته باشیم این موسسات را در انطباق با آیین رفتار حرفه‌ای مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم در بسیاری از موارد حتی با ظرفیتی بیش‌تر از آنچه که آیین رفتار حرفه‌ای تعیین کرده به کار مشغول هستند (معمولاً موسسات دارای حجم کاری بالا و شناخته‌شده، شامل این عدم انطباق هستند).

### ۳- چالش کیفیت حسابرسی:

این موضوع که حسابرسان از دانش آموزش و تجربه متفاوتی نسبت به همکاران حرفه‌ای دیگر خود برخوردارند چیز عجیبی نیست. در دنیا نیز برخی از موسسات حسابرسی صرفاً در ارایه خدمات حسابرسی به صنایع خاصی متبحر شده‌اند و آموزش‌های لازم در این خصوص را در برنامه کاری خود دارند. اما موضوع آن در ایران متفاوت از دیگر مکان‌هاست چرا که حسابرسان این خطه در همه نوع حسابرسی و صنعت خیره‌اند

و ادعا نیز دارند. این ادعا با توجه به این که چند سالی از تاسیس جامعه (هر چند که اکثریت از کسانی هستند که سال‌ها در سازمان حسابرسی به عنوان بی رقیب ترین نهاد حرفه ای قبل از تشکیل جامعه شناخته شده بود) نمی گذرد و وضعیت آموزش حرفه ای مستمر نیز در حرفه به طور منسجم شکل نگرفته جای تردید را باقی نمی گذارد که سطح سواد و آموزش در موسسات مختلف بوده و در غیاب عدم ارتباط فکری و گروهی منسجم در شرایط موجود مشکلات سطح کیفیت حادث می شود. این چالش صرفاً به موضوع نبود چارچوب و دستورالعمل جامع و مناسب در خصوص نیازهای روبه افزایش جامعه (اجتماع) از خدمات متنوع و متعدد حرفه ای از افراد حرفه محدود نمی شود بلکه مسایل مالی و هزینه و منفعت در اجرای برنامه ها و دستورالعمل های موجود نیز سدا راه موسسات برای ارتقاء کیفیت در موسسه تحت مدیریت خود شده است.

#### ۴- چالش آموزش و فراگیری اندک:

از جمله مواردی که در کاهش کیفیت پرونده های حسابرسی و در نهایت کاهش تاثیر گذاری استانداردهای حسابرسی بر ارایه گزارش و رفتار حسابرسان موثرند بحث آموزش و فراگیری اندک با توجه به تحولات حرفه و نیازهای فزاینده جامعه به خدمات متنوع اعتباردهی است (که از اقلام مالی گرفته تا غیر مالی را نیز شامل می شود) هر چند که این موضوع اخیراً با شدت بیش تری توسط جامعه حسابداران رسمی دنبال می شود و یکی از ملاک های رتبه بندی و پذیرش کار و هم چنین نظارت کیفی اعضا در نظر گرفته شده است اما باز هم نیاز به همت تمامی اعضا در اعتدالی خدمات حرفه ای و همکاری و همفکری آموزشی در راستای رفع نیاز افراد حرفه احساس می شود. برقرار بودن جلسات اختیاری و مستمر در خصوص مسایل حرفه ای و آموزشی به صورت خود جوش طی هر هفته که به صورت گفتارهای طرح مساله و حل مساله به

صورت گروهی در مکان مشخص شده ای تشکیل یابد می تواند به تقویت این نظام خود انتظام کمک کند.

#### ۵- چالش عدم ثبات درآمدی و بحث رتبه بندی:

یکی از چالش های موجود بر سر راه موسسات حسابرسی تازه شکل گرفته عدم توان رقابت با موسسات قدیمی موجود در حرفه و لذا کاهش حاشیه سود درآمدی به توجه به تشکیلات سازمان یافته موسسات در چارچوب اساسنامه جامعه حسابداران رسمی است. این عامل خود سبب شده که طیف رقابتی بر قدرت جهت کسب سهم بیش تر از بازار حسابرسی به تکاپوی بیش تر برای باز کردن بحث رتبه بندی موسسات خود توسط جامعه باشند تا به این ترتیب دامنه رقابت بر موسسات ناشناخته را تنگ تر کرده و سهم بازار خود را افزایش دهند. از طرفی موسسات ناشناخته نیز به جهت این که خود را از لحاظ حرفه ای برابر با دیگر رقبا می دانند خواهان آزادسازی اطلاعات موسسات خود به توسط جامعه به صورت کلی (نه ارایه شفاف جزئیات موسسه و توانایی های آن) هستند. لذا یکی از وظایف جامعه که به نظر می تواند مورد پسند طرفین باشد بحث اطلاع رسانی اطلاعات موسسات حسابرسی است و نه رتبه بندی موسسات چرا که همان طور که ذکر شد افراد این حرفه همه خود را از لحاظ حرفه ای یکسان با دیگران می بینند و انجام رتبه بندی ضمن ارایه اطلاعات غلط به مشتریان گزارشات حسابرسی، دامنه رقابت را بر موسسات کوچک تنگ تر می کند و این خوشایند طیف زیادی از این موسسات نیست. با این توصیف آزاد سازی اطلاعات و رتبه بندی بیش تر به نفع موسسات بزرگ حسابرسی تمام می شود



تا کوچک و این عمل برای گسترش حرفه ای گری لازم است. از سویی بایستی مواظب این موضوع نیز بود که رتبه بندی به انحصار در حرفه ختم نشود دغدغه ای که برخی از حساب‌برسان حرفه ای به کوتاهی از کنار آن نخواهند گذشت.

#### ۶- چالش استانداردهای ناکامل و نا تمام و اظهار نظر مطلوبیت صورت‌های مالی:

استانداردهای حسابداری ایران برگرفته ناتمامی از استانداردهای بین المللی است به گونه ای که در برخی از موارد بایستی تحقیق کاملی در خصوص شرایط اقتصادی سیاسی و فرهنگی کشور صورت می پذیرفت و بعد استاندارد عمومی و اجرایی می شد و در برخی موارد نیز استانداردی ارائه نشده است. اما کمیته تدوین زحمت این کار را به خود نداده و استانداردهایی بدون توجه به چرخه های کوتاه و بلند مدت اقتصادی و یا شرکت‌های بزرگ و کوچک وضع کرده است. لذا برخی از افراد حرفه به شدت با استانداردهای موجود (عمدتاً خصوصی ها) مخالفت می کنند (که ممکن است جنبه سیاسی نیز داشته باشد) و در هر یک از انجمن های موجود نیز زمزمه هایی مبنی بر تشکیل کارگروه های تدوین استاندارد به عنوان رقیب استانداردهای موجود شنیده می شود. (اما معلوم نیست قرار است استانداردهای انجمن های مذکور توسط کدام نهاد مهر تایید جهت اجرا بخورد) با این توصیف درستی اظهار نظرهای کنونی حساب‌برسان در خصوص انطباق با استانداردهای حسابداری (به دلیل ناتمامی و ناکاملی) و حسابرسی مورد تشکیک برخی از افراد حرفه ای است. استانداردهای سرمایه گذاری های بلند مدت، تلفیق و استاندارد ۳۴۰... از جمله مواردی است که مورد مناقشه

اعضاء حرفه است. علاوه بر این نبود استانداردهای مناسب برای صنایع خاص کیفیت گزارش گری در این موسسات را زیر سوال برده است (نظیر بانک‌ها و بیمه ها و معادن). اما نکته ای که نباید از کنار آن گذشت این است که تدوین استاندارد فرایندی طولانی مدت محسوب می شود و از جمله پیش شرط اساسی برای بهبود کیفیت استانداردهای حسابداری و حسابرسی، مشارکت اکثریت حرفه ای ها و کنندگان موسسات بازرگانی و تجاری (که می تواند اطاق بازرگانی و یا وزارت صنایع کننده ای در آن داشته باشد) است.

#### ۷- چالش رابطه salari و پیوند طبقاتی

یکی از چالش‌های اساسی حساب‌برسان در حسابرسی صورت‌های مالی مجموعه مورد رسیدگی قوانین و مقررات حاکم بر عملیات مالی صاحب کار است. به گونه ای که از انطباق رویه ها و مقررات به کار گرفته شده با آنچه که در صورت‌های مالی ارائه شده است اطمینان حاصل شود.

#### و محوریت افراد تا موسسات:

موسسات حسابرسی به صورت تضامنی تشکیل و افراد حاضر در آن محوریت سود آوری و انعقاد قرارداد موسسه را موجب می شوند. بنابراین روابط و محوریت، طبقاتی در اخذ کار بسیار مهمتر از نام و اسم شرکت است. اسم موسسه می تواند یک سرفقلمی برای موسسه محسوب شود آن هم تا زمانی که آن شخص به عنوان سهام دار و شریک در آن موسسه حضور فعال داشته باشد. بنابراین قراردادها جایی

اجازه ظهور می یابند که شخص در آن موسسه حاضر باشد و مهم نیست که نام موسسه چیست و یا چه خواهد شد. این موضوع به نوعی بزرگ کردن نام یک موسسه را و ارزش بخشیدن به آن را در قالب عنصری به نام سرفقلمی غیر ممکن می سازد یک استثنا بر این امر وجود دارد و آن هم با تجمع و ادغام چندین شریک در یک موسسه حرفه ای.

#### ۸- چالش مناقصه و استعمال:

کار حرفه ای با مناقصه منافات دارد. ممکن است در حال حاضر شما به صورت رسمی در جایی مشاهده نکنید که برای یک کار حسابرسی، سازمان یا شرکتی موضوع را به مناقصه گذاشته باشد اما در عمل صاحب کاران از شرکت‌های مختلف استعمال می گیرند. استعمال از موسسات حرفه ای اجحاف بر حرفه و امکانی به صاحب کاران برای کوچک کردن حرفه ای ها و خوار شمردن آن‌هاست. لذا جامعه حسابداران رسمی برای اعتلای حرفه لازم است که قیمت خدمات حسابرسی را در سایت ارائه کند و صاحب کاران در صورت استعمال از حساب‌برسان، توسط حساب‌برسان به سایت ارجاع داده شوند با این شیوه عمل دامنه انتخاب صاحب کاران به صلاحیت حرفه ای و امکانات مالی و پرسنلی معطوف شود و نه این که با استعمال از حساب‌برسان تفاوت قیمت‌های آن‌چنانی را در بین حساب‌برسان برای اخذ یک کار داشته باشیم. این گونه رفتارها غیر حرفه ای و مخالف آیین رفتار حرفه ای است و به حرفه ای گری آسیب‌های جدی وارد می کند. حسابرسی مستقل و رسمی دکان‌داری نیست و اعضای از حرفه که با این نگرش به فعالیت حرفه ای مشغول هستند خطری جدی برای حسابرسی مستقل و حرفه محسوب می شوند. یادمان

که در کشورهای پیشرفته در جریان است عقب هستیم و این نیاز به صرف هزینه های زیادی دارد که ممکن است بخشی از هزینه آن را حسابرسی از طریق افزایش حق عضویت مجبور به پرداخت شوند. ۱۰ چالش گزارش حسابرسی مبهم و بدون ارایه چشم انداز صحیح از ریسک های واحد تجاری:

نتیجه و ماحصل تمامی آن چه که برای یک حسابرسی مطلوب از ابتدای آن در قالب برنامه ریزی و اجرا گرفته تا انتهای آن که پایان اجرای عملیات حسابرسی است به منظور تهیه گزارشی پایش شده در خصوص نتایج عملکرد و وضعیت مالی صاحب کار به منظور استفاده ذینفعان است. لذا آن چه که در این گزارش می آید بایستی موجبات شفافیت بیش تر ریسک ها و تهدیدهایی که سازمان برای ذی نفعان با آن روبه روست، فراهم آورد و نه این که ابهام را افزایش دهد و چشم اندازی در خصوص وضعیت آتی حتی به صورت ضمنی ارایه ندهد. شاید برخی بگویند که وظیفه ارایه چشم انداز به اجتماع، وظیفه مدیران و صاحب کار است و نه حسابرس اما با توجه به تلفیق وظایف بازرسی (که بخشی از ارکان شرکت تلقی می شود) و حسابرسی مستلزم این است که موسساتی که کننده سهام دار و جامعه (اجتماع) هستند (چون در بهترین موقعیت برای ارایه این چشم انداز قرار دارند) این خواسته را برآورده سازند. با این اوصاف بایستی در شیوه و محتوای گزارش حسابرسی کنونی که چه چیز را و چگونه گزارش گری آن چه که باید و آن چه را که نباید، طرح ریزی مجدد کرد تا بدین منظور ضمن باز تعریف کل فرایند حسابرسی از ابتدا تا انتها به مدل جدیدی از گزارش گری که پاسخ گوی نیازهای استفاده کنندگان از گزارش حسابرسی



” یکی از چالش های موجود بر سر راه موسسات حسابرسی تازه شکل گرفته عدم توان رقابت با موسسات قدیمی موجود در حرفه و لذا کاهش حاشیه سود درآمدی به توجه به تشکیلات سازمان یافته موسسات در چارچوب اساسنامه جامعه حسابداران رسمی است.

ما هنوز در حال تیک زدن و تهیه کاربرگ های حسابداری به سیاق سال های دور هستیم. این موضوع به کم بودن حجم آموزش و مطالعه در حرفه و از طرفی به ضعف کلی صنعت و اقتصاد بر می شود به هر حال ما از حرفه به نسبت آن چه

باشد که آن چه در آمریکا پس از فروپاشی شرکت هایی نظیر «انرون» و... اتفاق افتاد ناشی از شیوه عمل دکان داری حسابرسی مستقل در حفظ و نگهداری صاحب کاران بود. لذا اصلاح آیین رفتار حرفه ای در این خصوص ضروری و جدی است.

## ۹ چالش اجرای سستی در دنیای ریسک ها و سیستم های اطلاعاتی و شبکه های ارتباطی نوین:

تجارت سال هاست که مرزها را در نوردیده و سرمایه مثل شیخ در چشم بر هم زدن دور کره زمین را می بیند. در حالی که در کشورهای پیشرفته بحث حسابرسی مستمر و حسابرسی کامپیوتری و شبکه ها و... مطرح و در حال انجام است

است را فراهم آورد.

### ۱۱- چالش ادغام و حرفه ای گری :

این واقعیت را باید پذیرفت که حرفه ای گری در قالب موسسات کوچک حسابرسی شکل نخواهد گرفت. کیفیت کار تضمین نخواهد شد و آموزش حرفه ای مستمر به بن بست خواهد رسید. بسیاری از چالش های پیش روی جامعه با ادغام موسسات بزرگ خصوصی موجود و تنگ تر کردن دامنه رقابت با موسسات کوچک حل خواهد شد. بنابراین جامعه به جای فشار بر خود تسهیلات لازم برای بزرگ کردن موسسات حسابرسی موجود با کمک به فرایند ادغام آنها و تعیین فرمول های مناسب شراکت باید بردارد. ما نیاز به دو الی سه موسسه بزرگ و حرفه ای داریم و این وضعیت فعلی حاکم بر جامعه با تعداد شرکت های کوچک بشمار راهی بر اعتلای حرفه نخواهد گشود و عملاً باعث خواهد شد که ماموریت و چشم انداز تعریف شده برای جامعه حسابداران رسمی عقیم بماند. پیشنهاد ادغام توسط موسسات بزرگ بایستی توسط خود این موسسات و با تشکیل جلسات تارسیدن به توافقی بهینه و پایدار سریعادر برنامه کار آنها قرار گیرد و در طی یک دوره برنامه ریزی شده پنج ساله بایستی این چند موسسه بزرگ اکثریت بازار حسابرسی (غیر از سازمان حسابرسی که چندی از چالش ها حرفه را به عنوان بی رقیب از جنبه حجم نفرا ت، قراردادهای و... دارد و بعضاً خارج از آیین رفتار حرفه ای در جامعه عمل می کند) را در اختیار گیرند. در این خصوص سازمان حسابرسی نیز به عنوان یک نهاد تحت پوشش دولت می تواند به این فرایند کمک کند. با این شیوه است که حرفه و حرفه ای ها به خود در جهت اعتلای حرفه کمک می کنند. طبیعی

است که همان طور که استاندار گذاری در یک محیط سیاسی شکل می گیرد در آینده نیز این موسسات بزرگ به عنوان وابسته حزب های سیاسی عمل خواهند کرد هر چند که زیر بنای حسابرسی را استقلال تشکیل می دهد. بنابراین بایستی افراد از تجمع به سمت تشکل های کوچک واز آنجا به سمت تشکیل موسسات حرفه ای بزرگ راهنمایی و جهت دهی شوند.

### ۱۳- چالش عضویت در جامعه و آینده آن:

جامعه در عضوگیری دچار نوسان و افراط و تفریط های زیادی شده است. از سال اول (که گروهی بدون امتحان پذیرفته شده و دارای علم کافی در این خصوص شناخته شدند) به آن طرف ما هر سال شاهد کاهش عضوگیری به دلیل سخت تر شدن شرایط امتحانات و شرایط عضو گیری هستیم به گونه ای که به نظر می رسد توافق نا نوشته ای مبنی بر پذیرش تعداد ثابتی در هر سال (آنهم به تعداد

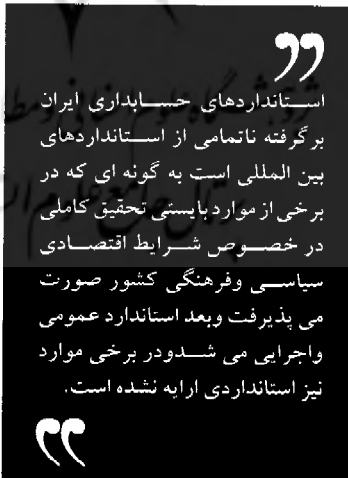
ما بایستی از این بازی های دست برداریم و یک بار برای همیشه جلوی اغتشاش در عضو گیری را (که با حمایت لابی های خاصی صورت می گیرد) پایان دهیم. هر چند که به حسابرسان مشتاق حسابدار رسمی شدن هم باید گفت خبری نیست؟! چرا که گرفتن کارت عضویت به معنی تعهد بیش تر و منفعت کم تر برای تازه رسیده هاست.

### ۱۴- چالش آیین رفتار حرفه ای :

آیین رفتار حرفه ای در پاره ای از موارد نیاز به تغییر و تعدیل دارد بحث هایی نظیر بیمه شدن حسابرسان شاید شرایط رفتار حرفه ای حاکم بر آنها را از این که کارهای حسابرسی و غیر حسابرسی صاحب کار را نپذیرند، تغییر دهد چراکه اگر بیمه گزار تمامی مسولیت ناشی از گزارش نادرست حسابرسان را در جبران خسارت بپردازد شاید بحث استقلال کم رنگ تر شود (هر چند عملی مخالف با استانداردهای حسابرسی انجام شده باشد). هم چنین موضوعاتی نظیر ظرفیت کاری و یا استعلام ها و مناقصات و... شاید نیاز به بازنگری داشته باشد. که تشکیل یک گروه کاری برای اصلاح این موارد بایستی در دستور کار جامعه قرار گیرد.

### ۱۵- چالش خدمات اعتبار دهی تعریف نشده:

میزان تنوع خدمات اعتبار دهی قابل ارایه توسط حسابرسان مستقل روز به روز در حال افزایش است به گونه ای که علاوه بر اعتباردهی عناصر مالی کمی، عناصر مالی غیر کمی را نیز در بر می گیرد. اما آنچه که در کشور ما وجود دارد محدودیت تنوع خدمات قابل ارایه اعتباردهی به عناصر صورت های مالی واقعی و پیشبینی شده (که خدمت جدیدی است) است.



استانداردهای حسابداری ایران برگرفته ناتمامی از استانداردهای بین المللی است به گونه ای که در برخی از موارد بایستی تحقیق کاملی در خصوص شرایط اقتصادی سیاسی و فرهنگی کشور صورت می پذیرفت و بعد استاندارد عمومی و اجرایی می شود و در برخی موارد نیز استانداردی ارایه نشده است.

اندک) هستیم. این موضوع به راحتی به تغییر آیین نامه و دستورالعمل پذیرش حسابداران رسمی هر چند سال یک بار برای محدود کردن پذیرش عضو گیری با تحمیل شرایط جدید صورت می گیرد.

اگر قرار است حرفه از رشد خوبی در حوزه خدمات قابل آرایه، برخوردار باشد، بایست ضمن فرهنگ سازی در این خصوص نسبت به تدوین استانداردهای چگونگی انجام واریه این گونه خدمات اقدام لازم صورت پذیرد.

### ب) چالش های بیرونی:

در بخش نخست این مقاله به طور اجمالی نظری داشتیم بر چالش های حرفه حسابرسی که از درون حرفه و مسایل آن ناشی می شد در این قسمت مروری داریم بر مسایل بیرونی و محیطی که حرفه حسابرسی را تحت تاثیر خود قرار داده است.

۱- چالش عدم استقلال (ظاهری و باطنی):  
کلمه حسابرس در اکثر مواقع با کلمه مستقل همراه و تزیین می شود. به این مفهوم که شخصی که کار حسابرسی صاحب کار را پذیرفته از سازمان مورد نظر مستقل بوده و هیچ گونه منفعت مستقیم و یا غیر مستقیمی که بتواند بر اظهار نظری تاثیر بگذارد ندارد. اما در مواردی مشاهده می شود در عین حال که حسابرس استقلالی (چه به صورت ظاهری و چه به صورت باطنی) از مجموعه مورد نظر ندارد گزارشات حسابرسی تهیه شده با عنوان «گزارش حسابرس مستقل» تهیه و تنظیم می شود. بنابراین حسابرسان بایستی در به کارگیری این کلمه در گزارشات خود با احتیاط بیش تری عمل کنند تا مجبور به پرداخت هزینه های ناشی از دعاوی حقوقی بر علیه خود (به علت گزارشات نادرست که متاثر کننده تصمیمات سرمایه گذاران است) در غیاب نبود یک سیستم پوشش بیمه ای مناسب، نباشند. این موضوع در کشور ما به چندی از دلایل ذکر شده در بخش نخست این

مقاله (رابطه مداری و...) و سایر جنبه های فرهنگی در کشور (نظیر پنهان کاری) به سختی قابل ردیابی و نظارت است ضمن این که برخی از قوانین (از جمله قانون تجارت) شرایطی را بر بازرسی و حسابرس (با توجه به عرف موجود



در کشور که بازرسی و وظیفه حسابرسی را نیز بر دوش می کشد) مترتب ندانسته و این موضوع و موضوعات چند دیگر خود باعث شده که بحث حسابرسی

خطاهای حسابرسان در گزارش دهی باشد می توان بخشی از محدودیت های موجود در مبحث استقلال حسابرسان را پوشش داد. البته ذکر این نکته ضروری است که

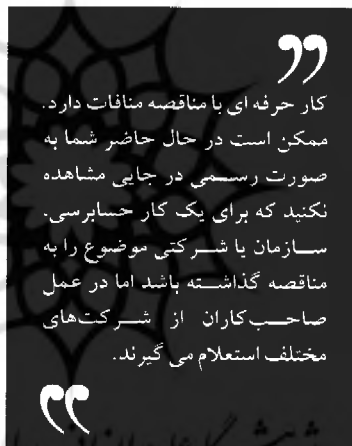
اگر یکی از شروط نرخ گذاری بیمه ای استقلال حسابرس قید شده باشد. باز هم بحث استقلال از اهمیتی که باید برخوردار است ورشد و گسترش حرفه نیز به خاطر وجود همین شرط لازم و ضروری صورت پذیرفته است.

۲- چالش حسابرس و بازرس و حاکمیت شرکتهای:

بحث انتخاب بازرسان آن چنان که در قانون تجارت آمده بر عهده مجمع عمومی صاحبان سهام است و لذا تغییر مداوم حسابرسان آسیب های جدی به امر حسابرسی مستقل و ثبات در آمدی موسسات حسابرسی دارد. با این حال در خصوص شرکت های بورسی طبق دستورالعمل سازمان بورس در خصوص حسابرسان معتمد تغییر حسابرسین توسط صاحب کار بایستی با دلیل همراه باشد و حسابرسان نیز موظفند طبق آیین رفتار حرفه ای دلایل برکناری خود را به حسابرسان بعدی اطلاع دهند.

نکته دیگر مربوط به تداخل وظایف حسابرسی و بازرسی است. گفتیم که بازرسان توسط مجمع انتخاب می شوند اما همین بازرسان وظیفه حسابرسی را هم بر عهده گرفته اند. موضوع این است که بازرسی بخشی از ارکان شرکت در چارت سازمانی دیده شده و استقلالی از ارکان شرکت مورد بازرسی خود ندارد (طبق قانون تجارت) در حالی که وظیفه حسابرسی مستقل مستلزم استقلال و نداشتن منفعت (مستقیم و غیر مستقیم) در شرکت تحت حسابرسی است. این تضاد و تناقض به صورت عرف جا افتاده و به نظر تا زمانی که قانون تجارت در این خصوص اصلاح نشود و شرکت ها نیز خواهان پرداخت هزینه های جداگانه در این خصوص به افراد و موسسات مختلف نباشند راه به مقصود نخواهد

برد. غیر از این بحث نظام حاکمیتی و نظارتی در شرکت های سهامی نیز به علت قدیمی بودن قوانین جای پای خود را در نظام نظارتی شرکت ها باز نکرده است و فعلا مسکوت است. و این امر موجبات افزایش ریسک های مدیریتی و عملیاتی و گزارش گیری صورت های مالی شرکت های صاحب کار شده است. اگر ما واقعا به دنبال شفافیت در مبادلات تجاری هستیم بایستی قانون تجارت اصلاحی و پیشنهادی را به امان خدا رها نکنیم و ضمن پیگیری جدی کنندگان مردم در این خصوص بحث منظور کردن حاکمیت شرکتهای توسط جامعه حسابداران رسمی به جد مطرح و در اصلاحیه منظور



کار حرفه ای با مناقصه منافات دارد. ممکن است در حال حاضر شما به صورت رسمی در جایی مشاهده کنید که برای یک کار حسابرسی سازمان یا شرکتهای موضوع را به مناقصه گذاشته باشد اما در عمل صاحب کاران از شرکت های مختلف استعلام می گیرند.

شود.

۳- واگرایی در مقابل هم گرایی:

حرفه حسابداری و حسابرسی در کشور ما با چالش زاینده همراه بوده است. چالش نظام ارباب و رعیتی چالش دولت و مردم و چالش فاصله قدرت. چالش نگاه ملتسمانه استفاده کننده برای یکسویه عمل کردن به نفع وی و چالش نظام قهر آمیز دولتی برای تمام شدن موضوع به نفع او و در این چالش تاریخی - طبقاتی حسابدار و حسابرس همواره حضوری فعال داشته است. لذا حرفه همواره در تلاطم از سویی به سوی دیگر است

و فرصتی برای کسب تعادل واقعی به منظور شناخت جایگاه خود نیافته است بنابراین انصاف تنها چیزی است که می تواند این نیروهای متضاد را به هم، توسط حسابداران و حسابرسان، نزدیک کند. اگر قرار است فرمولی موفق ارائه شود بایستی منصفانه و نه اقتدار گرایانه تنظیم شود به گونه ای که این واسطه گران بتوانند، بین دو اقتدار واقعی (مردم) و تصنعی (دولت)، به گونه ای منصفانه روابط منافع و نیروهای متضاد را تنظیم و تحکیم بخشند. برای رسیدن به این مقصود لازم است که هدفهای همبسته ای بین افراد حرفه و سایر استفاده کنندگان تنظیم شود تا در عین این که هر یک مسیر های خود را طی می کنند بتوانند به یک هدف واحد که انصاف بین تمامی بازیگران است دست یافت. آنچه که به نظر میرسد اتفاق افتاده شکل گیری تجمع پراکنده جامعه حسابداران رسمی به صورت متشکل برای حصول به سیاست های کلی نظام در قالب موسسات حرفه ای خصوصی است که پس از اتمام این ماموریت ممکن است باز به پراکندگی افراد حرفه در آینده منجر شود.

۴- نرخ های پایین حق الزحمه و رقابت غیر حرفه ای:

این موضوع که نرخ خدمات حسابرسی در ایران نسبت به اکثر نقاط دنیا و هم چنین قبل از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ اختلاف فاحشی دارد بر کسی از اعضای حرفه پوشیده نیست. با این توصیف چگونه می شود انتظار داشت خدمات حسابرسی با کیفیت به سرانجام رسد و این درحالی است که استعلام گرفتن توسط صاحب کاران یک امر پذیرفته شده در حال انجام است و موسسات حسابرسی نیز به رقابت غیر حرفه ای برای گرفتن کار مشغول هستند آیا رmqی برای ادامه کار به صورت حرفه ای و یا توسعه سایر خدمات

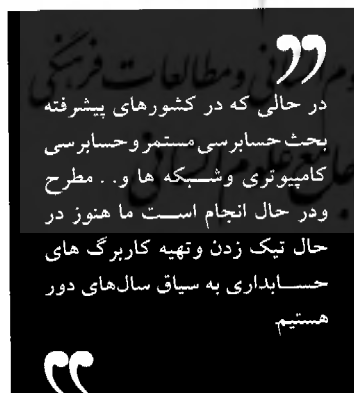


اعتبار دهی وجود خواهد داشت. مساله مهمی که در وضعیت قیمت خدمات حسابرسی تاثیر گذار بوده است نگاه هزینه ای به خدمات حسابرسان است به گونه ای که اکثر سازمانها و شرکتها خدمات حسابرسان را دارای ارزش افزوده برای خود نمی دانند و آن را صرفاً یک امر قانونی تلقی می کنند که در دریافت آن اجبار دارند و یا در برخی از صاحبکاران خدمات حسابرسی این تصور وجود دارد که آنها می توانند جانشینی برای ممیزان بوده و ضمن این که از ریسک برخورد با ممیزان مالیاتی (به عنوان مأموران دولتی) اجتناب می کنند می توانند در این میان مذاکره خوبی با حسابرسان در خصوص مسایل مالی خود نیز داشته باشند. از این منظر به محض رکود در اقتصاد اولین قدمی که به فکر سازمانها و شرکتها برای مقابله با کاهش جریانات خروج وجه نقد خود و صرفه جویی هزینه ها می افتد حذف هزینه های عمومی و اداری و از جمله خدمات حسابرسی است. بدیهی است تازمانی که نگرش سازمانها و مدیران (که یک موضوع فرهنگی است) در این خصوص تغییر نکرده است امیدی به بهبود خدمات حسابرسی و اعتلای حرفه نیست. از طرفی تازمانی که نرخ نامه رسمی از طرف جامعه حسابداران و مراجع مربوطه در خصوص نرخ خدمات حسابرسی ارایه نشود که مبنایی برای ارایه خدمات حرفه ای تلقی شود (ویک عامل نظارت کیفی پرونده های حسابرسی این نرخ نامه و نظارت قرارداد با آن با توجه به حجم کار انجام شده باشد) به اعتلای حرفه حسابرسی کمکی نشده و جامعه به مأموریت و اهداف خود نخواهد رسید.

۵- چالش استانداردگذاری سیاسی:

هر عضو حرفه ای که تاریخچه توسعه و گسترش نظریه در حسابداری را خوانده

باشد می بیند که تضاد عقاید عجیبی در فرموله بندی اصول و استانداردها در این علم وجود دارد. بنابراین جای هیچ احساس ناخرسندی و سر خوردگی جای وجود نمی یابد پس از این که می بیند عملاً استانداردگذاری در قالب فرایندی سیاسی شکل می یابد و توجیه و تفسیر می شود. پاسخ این سوال که چرا اصولاً ما به سمت ترجمه استانداردهای بین المللی به عنوان استاندارد ملی قدم برداشتیم؟ عبارتست از سد راه شدن برای انتقادهای احتمالی که در مورد استانداردهای پیشنهادی ملی می شود. برای کشوری که تازه قدم در راه خصوصی سازی گذاشته و معلوم نیست که دنیا ما را بالاخره به عنوان عضوی از خود (بحث تجارت بین المللی و پیوستن به نهادهای تجاری مربوطه) در طی ده سال آتی بپذیرد و یا این که در راه خصوصی سازی پس از سه بار تلاش موفق شویم یا خیر، حدود شش سال است که از استانداردهای بین المللی برای عمل حسابداران و حسابرسان استفاده می کنیم. حسابرسی و حسابرسان نیز که به شدت از



این اصول و استانداردها حسابداری متأثر هستند در این داروگیر به عنوان کسی و یا کسانی که قرار است نسبت به کاربرد و اجرای استانداردها اظهار نظر کنند وارد عمل شده و خود را به عنوان یک استفاده کننده اصلی ذینفع و ذیحق دانسته و حضور

خود را در استانداردگذاری لازم و ضروری می شمارد تا بدین ترتیب بدنه اجماع نظر در این فرایند سیاسی به گونه ای کامل شود که استانداردهای تهیه شده بتواند بخش عظیمی از تضاد منافع بین ذینفعان را حل کند. بدیهی است در صورتی که در این اجماع حسابرسان مشارکت نداشته باشد (و سایر نهادهای سیاسی و اقتصادی اقدام به تدوین استانداردها کرده باشند) همواره ابزاری آماده برای بیهوده و ناقص تلقی کردن استانداردهای موجود در مقابل رقبا در دست دارند. (توضیح این که مرجع استانداردگذاری در کشور سازمان حسابرسی است) بیش تر از این اقتصاد در دهه های اخیر دارای عناصر متعدد و پیچیده ای شده که قبلاً وجود نداشته و لذا استانداردهای حسابداری و حسابرسی همواره محل برخورد آراء و عقاید مختلفی شده که همه را به چالش کشانیده و به تداوم وجود خود ادامه می دهد.

۶- چالش گزارش گری بی مایه و روتین حسابرسی از دید استفاده کننده:

استفاده کنندگان از صورت های مالی هر ساله گزارش حسابرسان را دریافت و آن را با گزارش سال قبل مقایسه می کنند. بارها شده که در گزارشات حسابرسی که به صورت غیر مقبول ارایه می شود بندهای حسابرسی، علی رغم طرح در مجمع عمومی صاحبان سهام به منظور رفع آن در طی سال آتی، دقیقاً بدون هیچ گونه کم و کسری عیناً تکرار می شود و این موضوع می تواند نوعی سر خوردگی برای کسانی که منتظر خبرهای جدید در خصوص وضعیت مالی و نتایج عملکرد و یا چشم انداز آتی شرکت هستند را موجب شود. این موضوع گزارش حسابرسی را در نزد برخی از استفاده کننده بیهوده و حالی از فایده به نظر می آورد در حالی که برخی دیگر (مدیران) که به فکر تسویه حساب



مدیریتی خود هستند و گزارش حسابرسی را ابزاری در این خصوص می‌پندارند (چرا که در قانون تجارت تایید گزارش توسط بازرس به منزله مفاسد حساب مدیریت از عملکرد کاری تلقی می‌شود) محتوی گزارش حسابرسی از جهت تکراری بودن بندهای حسابرسی آن چنان مهم تلقی نکرده و بیش‌تر یک امر تشریفاتی نزد خود ارزیابی می‌کنند. بنابراین ما شاهد نیروهای متضاد از جنبه کسب منافع هستیم که در پیرامون گزارش حسابرسی جمع شده و انتظارات مختلفی دارند. چاره کار در این خصوص رعایت انصاف بین بازیگران و تعدیل در شکل و شیوه گزارش‌گری حسابرسی به منظور پوشش دادن انتظارات مختلف از این گزارش است. ارزش اطلاعات حسابداری و حسابرسی در غایت تابع استفاده از اطلاعات و فایده مندی آن است، نه تهیه گزارش آن و این موضوعی است که حساب‌رسان بایستی به آن به طور جدی فکر کنند.

همین قوانین و مقررات و عدم انطباق با استانداردهای ارایه شده (که توسط سازمان حسابرسی که زیر نظر وزارت دارایی است تدوین شده) موجب فاصله گرفتن انتظار از آنچه که قرار بود حساب‌رسان انجام بدهند رافراهم آورده است. همین مشکل را سازمان بورس با گزارشات حساب‌رسان داشت که تنظیم دستورالعمل موسسات معتمد بورس از نتایج آن است. در آینده نیز ممکن است سایر سازمان‌ها نیز خدمات جدیدی از حساب‌رسان بخواهند و شرایطی را بر آن‌ها تحمیل کنند. طبیعی است که هر یک از سازمان‌های مورد بحث برای رسیدن به اهداف طراحی شده خود قالبی را از حساب‌رسان در خواست می‌کنند. اما بحث این است که هر طرحی برای استفاده از خدمات حساب‌رسان رسمی و مستقل بایستی چارچوب‌های نظری این حرفه

” کلمه حسابرس در اکثر مواقع با کلمه مستقل همراه و تزیین می‌شود. به این مفهوم که شخصی که کار حسابرسی صاحب‌کار را پذیرفته از سازمان مورد نظر مستقل بوده و هیچ گونه منفعتی مستقیم و یا غیر مستقیمی که بتواند بر اظهار نظری تاثیر بگذارد ندارد.



و از حمایت‌های قانونی نیز برخوردار است گونه‌ای از خدماتی است که قبل از آن برای سازمان‌ها ناشناخته بود. این خدمت مهم از طرفی کاری ساده است، چرا که باید درآمد مشمول مالیات را براساس قوانین و مقررات مشخصی تعیین کند از طرف دیگر برخی ابهامات موجود در

۷-چالش فاصله انتظارات از خدمات حسابرسی و اعتباردهی: سیستم‌های اجتماعی هر روزه مانند موجودی زنده و پویا در حال تغییر و تحول هستند و در این میان سازمان‌ها، که جزء مهمی از این سیستم‌ها تلقی می‌شوند، را نمی‌توان خارج از این تحولات تصور کرد. چالش‌هایی که سازمان‌های امروزی با آن مواجه‌اند به نسبت سازمان‌های گذشته بیش‌تر و پیچیده‌ترند و این مساله باعث شده که نیازهای آن‌ها برای حل مسایل پیش‌رو، افزایش یافته و آن‌ها را در قالب گزارشات اعتباردهی متنوع و مختلف از حساب‌رسان در خواست کنند. به عنوان نمونه بحث حسابرسی مالیاتی که بعد از تشکیل جامعه و در راستای اجرای ماده ۲۷۲ مورد توجه صاحب‌کاران قرار گرفته

همخوانی داشته و با آنها منطبق باشد چرا که عدم توجه به این چارچوب ها مشکلات فاصله انتظار از حسابرسان را در پی خواهد داشت. بنابراین به سازمان های نیازمند به خدمات حسابرسان پیشنهاد می شود قبل از این که دستورالعملی قطعی و نهایی شود از مشارکت جامعه حسابداران رسمی (به عنوان کننده حسابرسان) نیز به طور جدی استفاده شود تا تجربه رخ داده در خصوص گزارشات حسابرسی مالیاتی تکرار نشود به گونه ای که در این مورد خاص برخی از حسابداران رسمی تهیه گزارش حسابرسی مالیاتی را بر هزینه تر از منافع متصور از آن می دانند چرا که به دلیل ابهام های قانونی و استانداردها گذاری در کنار نقایص اجرایی و مسولیت های بعدی حاصل از تدوین گزارشات آن را نوعی خدمت پر ریسک برای خود می دانند (طبیعی است حرفه ای که بدون نظارت به فعالیت مشغول بوده و ناگهان نظارت دولتی را بر خود حاکم می بیند برایش حداقل نظارت نیز سخت و سنگین می آید). بدیهی است پذیرش یک خدمت ضمن پذیرش جمعی اعضاء نیاز به تسهیلاتی در خصوص چارچوب های مسولیت و پاسخ گویی مناسب دارد تا طرفین منفعت حاصله از آن خدمات را ببرند.

۸- هرم پاسخ گویی عمومی و شفافیت و فرهنگ پاسخ گویی جایگاه و نقش حسابرسان:

اجتماع گاهی وقت ها انتظاراتی فرا تر از آنچه که در کلیت یک نظام حاکم است از حسابرسان دارند. از طرفی در یک اقتصاد بیمار تک محصولی با وجود اقتصاد غیر رسمی فعال و قوی نمی توان انتظارات مازاد بر محدودیت های حسابرسی را از حسابرسان در خواست کرد. هرم پاسخ گویی و شفافیت از بالا به پایین است و نه بالعکس و تا زمانی که این موضوع

حل نشده از حسابداران و حسابرسان انتظار شفافیت حداکثری را نمی توان

” آیین رفتار حرفه ای در پاره ای از موارد نیاز به تغییر و تعدیل دارد بحث هایی نظیر بیمه شدن حسابرسان شاید شرایط رفتار حرفه ای حاکم بر آن ها را از این که کارهای حسابرسی و غیر حسابرسی صاحب کار را نپذیرند، تغییر دهد چرا که اگر بیمه گزار تمامی مسولیت ناشی از گزارش نادرست حسابرسان را در جبران خسارت بپردازد شاید بحث استقلال کم رنگ تر شود.

داشت. علاوه بر این به دلیل عدم وجود قوانین شفاف در خصوص مسولیت های جزایی و کیفری احتمالی که حسابرسان را تهدید می کند و چگونگی اعمال آن و نتایج ممکنه مترتب بر اعمال حسابرسان (ناشی از گزارش گری ناصحیح) برخی از اعضاء خاطی حرفه با طیب خاطر به انجام واریه خدمات خود مشغولند.

۹- چالش اقتصاد کلان ضعیف و بیمار که پیشتر به آن اشاره شد منجر به ایجاد رانت های مختلف و گسترش اقتصاد زیر زمینی شده و به تبع آن طرح مسایلی همچون مبارزه با پول شویی، امنیت قضایی، امنیت اقتصادی و انضباط و شفافیت مالی شدت گرفته است و در این میان دولت مردان از حسابداران رسمی و غیر رسمی (مدیران مالی) به عنوان ابزاری برای افزایش شفافیت استمداد جسته اند.

۹- چالش اقتصاد کلان ضعیف و صنعت بی رونق:

یک موضوع اساسی که از لحاظ تاریخی

بر فضای حرفه حاکم بوده و بر حرفه تاثیر پایداری گذاشته موضوع اقتصاد غیر صنعتی و ضعیف بودن آن در ابعاد خرید و کلان است. طبعاً حرفه در جایی از رشد مناسب برخوردار است که شرایط کسب و کار مهیا بوده و مثلاً بتوان به راحتی شرکتی را تاسیس کرد و یا آن را منحل کرد. اما در کشوری که سایه نظام متمرکز دولتی به پیروی از اندیشه های چپ و بنا به ضرورت های تاریخی و ایدئولوژیک شکل گرفته و شرایط کسب و کار در مسیر نزولی خود قرار دارد انتظار و آمیدی به گسترش صنعت که پیامد آن گسترش سفره بزرگی برای موسسات حرفه ای است فراهم نمی آورد. این موضوع خود ضعف تاریخی حرفه و وابستگی آن به نظام دولتی را در پی داشته است جایی که قسمت اعظم آموزش و تولید افراد حرفه ای (با نظام تفکر دولتی) در آن صورت پذیرفته (که به نوعی حسابرسن داخلی دولت محسوب می شوند) و انتظار داریم که افراد شاعل در حرفه در این بدنه ضعیف اقتصاد کلان (به عنوان طرف) از موسسات حرفه ای دولتی خارج شده و تشکیل موسسات حرفه ای خصوصی بدهند. بدیهی است افرادی که از این نظام خارج می شوند و قصد تشکیل موسسه دارند اولین ارتباط خود را با همین موسسات و شرکت های دولتی که در زمانی سرپرست حسابرسی و یا مدیر اعضاء کننده گزارش حسابرسی بوده اند برقرار می کنند با این تفاوت که آن سیستم نظارتی دیگر ممکن است به خوبی عمل نکرده (چرا که پس از استقلال جامعه حسابداران رسمی با نظارت کیفی پرونده ها بایستی نظارت های گذشته را عمل کند) و ضرورت های بازار رقابتی شیوه رفتار مدیران گذشته سازمان های دولتی را در یک فضای آزاد انتخابی بر

نمی‌تابد. این موضوع باعث می‌شود که شرکت‌هایی که قبلاً توسط سازمان حسابرسی مورد بررسی قرار می‌گرفتند و بنا به ضرورت‌های تشکیل جامعه به خصوصی‌ها واگذار شدند پس از مدتی به دامان سازمان حسابرسی مجدداً باز گردند.

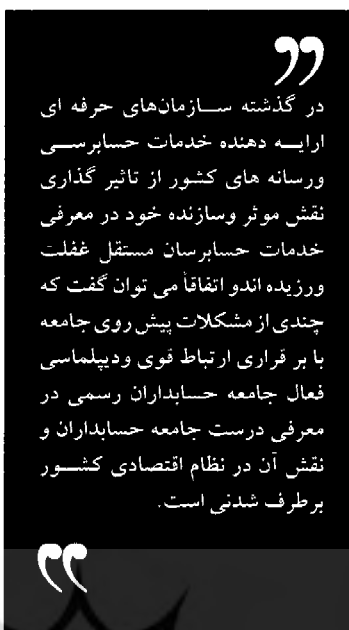
۱۰- چالش عدم ارتباط با سایر مراکز حرفه‌ای و دانشگاهی در جهان:

سازمان‌های حرفه‌ای در کشور ما (به جز انجمن حسابداران خبره که چند سالی است عضو «آیفک» است) و از جمله جامعه حسابداران رسمی ارتباط فعال و سازنده‌ای با مراکز حرفه‌ای و استاندارد گذاری در ورای مرزها ندارند و لذا یکی از نقاط ضعف موجود در رشد و گسترش حرفه حسابرسی عدم ارتباط سازنده و به تبع آن عقب ماندن از قافله رشد و توسعه جهانی حرفه و آموزه‌های جدید در این خصوص است. لذا به منظور ارتقاء سطح علمی اعضا و ترغیب کردن آن‌ها برای پیوستن به نهادهای بین المللی لازم است تلاش‌های اولیه لازم توسط سیاست‌گذاران در این نهادها، به منظور اطلاع‌رسانی در خصوص زمان‌های برگزاری امتحانات و منابع آزمون‌ها و در صورت امکان تکثیر و توزیع جزوات آزمون‌های مذکور بین اعضا، و در درجه دوم تلاش خود اعضا برای اخذ این مدارک بین المللی، صورت پذیرد تا بدین وسیله ضمن ارتقاء آگاهی‌های اعضا حرفه از تحولات بین المللی در خصوص حرفه به تدریج پیوند ارتباط بیش‌تری را با جامعه جهانی برقرار شود.

۱۱- ابزار دولت در تحقق سیاست‌ها کاهش تصدی‌گری:

سیاست‌های خصوصی سازی در کشور ما با فراز و نشیب‌ها و ناکامی‌هایی همراه بوده است. آنچه که برای ما مهم است

اعتقاد سیاستمداران به اجرای موفق سیاست‌های خصوصی سازی به وسیله



در گذشته سازمان‌های حرفه‌ای ارائه دهنده خدمات حسابرسی و رسانه‌های کشور از تاثیر گذاری نقش موثر و سازنده خود در معرفی خدمات حسابرسان مستقل غفلت ورزیده اند و اتفاقاً می‌توان گفت که چندی از مشکلات پیش روی جامعه با برقراری ارتباط قوی و دیپلماسی فعال جامعه حسابداران رسمی در معرفی درست جامعه حسابداران و نقش آن در نظام اقتصادی کشور برطرف شدنی است.

حسابداران و حسابرسان حرفه‌ای است. پس از این که در دوره تعدیل اقتصادی سیاست‌های مذکور با شیوه‌های مرسوم در آن زمان به شکست انجامید بحث ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی حسابداران به عنوان حسابدار رسمی در سال ۱۳۷۲ به تصویب مجلس رسید از آن زمان تا تشکیل واقعی جامعه در سال ۱۳۸۰ هشت سال گذشت ولی نیاز شدید دولت به خصوصی سازی (با تمام نگرانی‌هایی که در این خصوص وجود داشت) باعث شد که جامعه شکل گیرد و وزارت دارایی نیز به آن به مثابه ابزاری در جهت کاهش بدنه کارشناسی خود (و در نهایت هزینه‌های منابع انسانی خود) در امر تعیین درآمد مشمول مالیات استقبال کرد. به عبارت دیگر با تصویب ماده واحده حسابداران رسمی به عنوان پیمانکار حرفه‌ای وزارت دارایی و سایر سازمان‌ها در راستای تهیه گزارشات کارشناسی مختلف، مورد حمایت گروه‌های سیاسی قرار گرفتند و وجود آنها

را به منزله موفقیت بسیاری از طرح‌های اجرا و پیاده سازی در راستای رسیدن به اهداف چشم انداز نظام جمهوری اسلامی مورد تایید قرار دادند. اما دغدغه‌ای که همواره بر سر آن به توافق پایداری دست نیافته اند بحث خود انتظامی و نظارت دولتی است که گاهی شدت می‌گیرد و گاهی از فشارهای نظارتی کاسته می‌شود. اما آنچه که در حال حاضر به نظر می‌رسد شکل گرفته عدم اعتماد به حسابرسان به عنوان نهادی خود انتظام است. به گونه‌ای که شاید در آینده عضو نبودن در جامعه بهتر از بودن در آن برای اعضاء تلقی و برداشت شود. هر چند که حسابرسان با هوشیاری هزینه و منفعت بودن و یا نبودن را می‌سنجند و بر آن اساس عمل خواهند کرد.

۱۲- چالش فرهنگ سازی اندک و عدم آشنایی با خدمات حسابرسان توسط

اجتماع:

در گذشته سازمان‌های حرفه‌ای از ارائه دهنده خدمات حسابرسی و رسانه‌های کشور از تاثیر گذاری نقش موثر و سازنده خود در معرفی خدمات حسابرسان مستقل غفلت ورزیده اند و اتفاقاً می‌توان گفت که چندی از مشکلات پیش روی جامعه با برقراری ارتباط قوی و دیپلماسی فعال جامعه حسابداران رسمی در معرفی درست جامعه حسابداران و نقش آن در نظام اقتصادی کشور برطرف شدنی است. از یک سو استفاده کنندگان باید جامعه حرفه‌ای را بشناسند و از نقش آن‌ها آگاه باشند و از سوی دیگر دست‌اندرکاران حرفه باید با آگاهی از اهمیت نقش خود، وظایف و اگذار شده را درست و کامل در راستای اعتلای حرفه به خدمت گیرند و از این بابت مسولیت نهادهای شکل گرفته جدید بیش‌تر می‌شود.